

شیوه‌های تحول و بهبود آموزش عالی و پژوهش در ایران با تحلیلی بر برخی مطالعات انجام شده

علی اکبر علیخانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۷/۲۸

چکیده

مباحث مقاله حاضر معطوف به این امر است که از چه شیوه‌ها و راه‌هایی می‌توان نظام آموزش عالی و پژوهش کشور را بهبود بخشید. طبعاً در طرح شیوه‌ها و راهکارها، نوعی آسیب‌شناسی نیز مستتر است. این شیوه‌ها در سه حوزه مورد بحث قرار گرفته‌اند: نخست شیوه‌ها و سازوکارهای مشترک حوزه آموزش و پژوهش که در این قسمت در زمینه‌های نگرشی و فرهنگی، سیاست‌گذاری، زیرساخت‌ها، قوانین و روندها، و نیروی انسانی مباحثی مطرح شده است؛ دوم شیوه‌های مختص به حوزه آموزش عالی که در زمینه‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی، مباحثی مطرح شده و سوم شیوه و سازوکارهای مربوط به حوزه پژوهش که در این قسمت نیز به مباحثی در زمینه‌های سیاست‌گذاری و زیرساخت‌ها، قوانین و روندها مطرح شده است. اگرچه خود مقاله دارای مطالعات میدانی نبوده، اما سعی شده در موارد لازم، از مطالعات میدانی انجام‌شده، استفاده شود. توجه نویسنده بیشتر به مباحث حوزه علوم انسانی معطوف بوده است، اگرچه اغلب مباحث در مورد سایر حوزه‌های غیر علوم انسانی نیز صادق است. در نتیجه‌گیری تلاش شده مشکلات آموزش عالی و پژوهش در ایران و نحوه تحول و بهبود آن، از منظری متفاوت از آنچه در متن مقاله آمده، یادآوری شود.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، پژوهش، ایران، ارتقای علوم انسانی، توسعه علمی.

۱. دانشیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

AliAkbaralikhani@gmail.com

مقدمه

شاید بتوان گفت امروزه کیفیت حیات و موجودیت هر کشوری به نظام جامع علمی آن کشور بستگی دارد که عمده‌تاً دو حوزه آموزش و پژوهش را دربرمی‌گیرد. از نحوه زیست مردم در مسائل فردی و خصوصی گرفته تا مسائل کلان رشد و توسعه هر کشور، به دانش، دانایی و در پی آن توانایی و قابلیت ناشی از آنها برمی‌گردد. بر این اساس، یکی از ریشه‌های مشکلات، عقب‌ماندگی، و مسائل هر جامعه‌ای را باید در میزان کارآمدی یا ناکارآمدی، دانش، آموزش، و پژوهش آن کشور جست‌وجو کرد.

هم‌اکنون ما در ایران دارای یک نظام آموزش عالی و پژوهش هستیم که دارای تاریخچه، سیر تکاملی، آسیب‌ها، توانایی‌ها و مجموع ویژگی‌های مطلوب و نامطلوب خاص خود است که هیچ‌کدام مورد بحث ما نیست، موضوع مورد نظر این مقاله، بهبود وضعیت موجود و حرکت به سطحی بهتر و مطلوب‌تر است؛ بر این اساس هدف و دغدغه اصلی مقاله این است که در وضعیت فعلی، از طریق چه شیوه‌ها و سازوکارها، و با توجه به چه نکاتی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، می‌توان سطح کیفی آموزش عالی و پژوهش کشور را بهبود بخشید؟

مقاله حاضر دارای سه بخش اصلی است: بخش اول به سازوکارهای کلان و مشترک حاکم بر هر دو حوزه آموزش عالی و پژوهش می‌پردازد که در سه زمینه نگرشی و فرهنگی، سیاست‌گذاری و زیرساخت‌ها، قوانین و روندها مورد بحث قرار گرفته‌اند. بخش دوم صرفاً آموزش عالی را مورد بحث قرار می‌دهد که دو زمینه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی را شامل می‌شود، و بخش سوم به حوزه پژوهش اختصاص دارد و به دو حوزه سیاست‌گذاری، و زیرساخت‌ها، قوانین و روندها در عرصه پژوهش می‌پردازد. روش انجام پژوهش به دو شیوه کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی بوده است، در بخش کتابخانه‌ای، متون و نظریه‌های علمی مورد مطالعه و استناد قرار گرفته‌اند و در بخش مطالعات اسنادی، برخی اسناد مهم کشور مثل سند چشم‌انداز ملی، برنامه چهارم توسعه و اسناد و مدارک بخشی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در پایان مقاله و طی بحثی به عنوان نتیجه‌گیری، ابتدا به آسیب‌ها و چالش‌های موجود در نظام آموزش عالی در پژوهش اشاره شده، و سپس اهداف

کلی، سیاست‌های کلی، و سیاست‌های اجرایی پیشنهادی برای برنامه پنجم توسعه آمده‌اند. جدول مقوله‌بندی و فراوانی سیاست‌های استنتاجی از اسناد فرادستی و معین برای برنامه پنجم توسعه در بخش علوم، تحقیقات و فناوری نیز به صورت پیوست آمده است.

سازوکارهای مشترک حوزه آموزش و پژوهش

برخی از اقداماتی که لازم است در جهت تحول و ارتقای دانش عالی کشور اعم از آموزش و پژوهش صورت پذیرد، در هر دو حوزه مشترک است. این اقدامات را می‌توان در چهار زمینه دسته‌بندی کرد و در هر زمینه به مصادیق و موارد خاصی اشاره داشت. عمده‌ترین دلیل تقسیم‌بندی به چهار زمینه این است که این تقسیم‌بندی می‌توانست تمام مباحث مورد نظر ما را پوشش دهد و البته امکان افزایش این زمینه‌ها منتفی نیست. این زمینه‌ها عبارتند از: نگرشی و فرهنگی، سیاست‌گذاری، زیرساخت‌ها، قوانین و روندها، و نیروی انسانی که در ادامه به تبیین هر کدام از آنها می‌پردازیم:

۱. نگرشی و فرهنگی

شاید تردیدی نباشد که رفتارها و کنش‌های انسان‌ها، ریشه در تفکرات، نگرش‌ها، اعتقادات و حتی احوال آنها دارد. نوع عملکرد و رفتار انسانی که به آینده امید دارد یا به کشور و نظام سیاسی خود علاقه‌مند است، با فردی ناامید و غیرعلاقه‌مند کاملاً متفاوت است. اگر فرهنگ را مجموعه‌ای از باورها، نگرش‌ها و اعتقادات دیرپا و نهادینه‌شده بدانیم، (بی‌تس و فرد، ۱۳۷۵: ۴۴؛ گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۲۴-۱۲۳) فرهنگ نقش اصلی و اساسی را در عملکرد و نوع رفتار افراد دارد، فرهنگ‌های بخش‌های تخصصی‌تر و کوچک‌تر جامعه، تحت عنوان خرده‌فرهنگ می‌تواند اندکی متفاوت از فرهنگ عمومی کل جامعه باشد ولی به هر حال از آن متأثر است. آنچه در بحث ما موضوعیت دارد این است که برای تحول و ارتقای دانش و پژوهش در ایران، باید در جهت تغییر نگرش‌های فرهنگی چه در سطح کلان جامعه و چه در سطح جامعه علمی و دانشگاهی اقداماتی صورت پذیرد. برخی از این اقدامات در پی می‌آیند:

۱-۱. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت پاسداشت منزلت علم و عالم در سطح جامعه

بی‌توجهی به دانش و دانشمند، و بی‌اعتنایی به تخصص و نظرات کارشناسی و احتمالاً رفتار نامناسب با استادان و پژوهشگران یا مورد بی‌توجهی قرار دادن و احتمالاً تحقیر جامعه علمی و

دانشگاهی به هر دلیل، نه تنها به سود هیچ فرد یا قسمتی از جامعه نیست بلکه به حوزه علم و دانش و رشد علمی کشور - و در نتیجه به همگان - به شدت لطمه می زند. چنین رفتارهایی آثار مستقیمی بر دانش، پژوهش، آموزش، قانون گذاری، بخش های کارشناسی، رسانه های عمومی و نسل های آینده بر جای می گذارد (که فرصت پرداختن به آنها نیست). تا اینجا بحث جنبه سلبی داشت و اینکه نباید منزلت دانش و دانشمند خدشه دارد شود، ولی کافی نیست بلکه مسئله این است که در جهت ایجاد، تقویت، و پاسداشت منزلت دانش و دانشمند و استادان و پژوهشگران کشور اقدامات اساسی و مستمری صورت پذیرد.

۲-۱. سیاست گذاری و برنامه ریزی برای ترویج و تحکیم اخلاق حرفه ای در میان دانشگاهیان

اگر رفتار اخلاقی را مهم ترین وجه ممیزه انسان از سایر موجودات بدانیم، خطا نکرده ایم. اهمیت امر اخلاق و عملکرد اخلاقی به اندازه ای است که پیامبر اسلام (ص) و حتی سایر انبیا (ع)، برای تکمیل مکارم اخلاقی برانگیخته شده اند (المجلسی، ۱۴۰۳ ق. ۱۹۸۹ م: ج ۱۶: ۲۱۰ و ۲۸۷؛ ج ۱۸: ۲۶۹؛ ج ۲۱: ۹۸؛ النوری، ۱۳۴۰: ج ۱۱: ۱۸۷). امروزه، با پیچیده شدن زندگی اجتماعی و به تبع آن سازمان ها و تخصصی شدن حوزه های مختلف، اخلاق نیز تخصصی شده و تحت عنوان اخلاق حرفه ای، متناسب با نوع کارویژه و وظایف هر سازمان و بخش، به آن راه یافته است. تدوین اخلاق حرفه ای برای هر سازمان و بخش و تعریف و ترویج مسئولیت های اخلاقی کنش گران آن حوزه، نقش بسزایی در ارتقای کمی و کیفی فعالیت های آن سازمان خواهد داشت (قراملکی، ۱۳۸۸: ۲۹-۲۴). ضمن اینکه افراد و سازمان را به اهداف اخلاق محور و سعادت جوی اسلام نزدیک تر می سازد. هم اکنون جامعه علمی ایران اعم از حوزه پژوهش و آموزش، فاقد چشم اندازهای اخلاق حرفه ای تحقیق و تعریف شده، و به تبع آن فاقد یک منشور اخلاقی مدون است، در حالی که دانستن آن ضرورتی اجتناب ناپذیر است (زاهدی اصل، در: لطیف، ۱۳۸۸: ۱۰۲-۸۴).

۳-۱. ترسیم آینده علمی ایران به عنوان هدف ملی دانشگاهیان

هر کشوری در سطح کلان دارای اهداف منسجم، روشن، قابل دستیابی و مورد توافق و اجماع است که به آن منافع ملی گفته می شود. به همین نسبت، بخش های کلان هر کشور از جمله حوزه جامعه علمی و آموزش عالی کشور نیز باید در راستای منافع ملی و البته در سطح

خردتر، اهداف کلان و ملی برای خود داشته باشند که مورد اجماع نسبی دانشگاهیان و جامعه علمی باشد و همگان دارای اشتیاق، انگیزه و نشاط لازم برای دستیابی به آن هدف باشند. البته تعریف هدف ملی برای جامعه علمی و دانشگاهی کشور، ضرورت‌های خاص خود را دارد ولی هرچه باشد، باید به آن تن داد و به آن سو حرکت کرد. داشتن هدف کلان و ملی برای دانشگاهیان که منافع صنفی و حیثیت علمی آنان نیز با آن گره خورده باشد، لازمه تحول و پیشرفت عمیق و نظام‌مند علمی است. ترسیم هدف کلان و ملی برای دانشمندان و استادان حوزه علوم انسانی و اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است و تأثیرات عینی تری بر جای می‌گذارد چون علوم انسانی، جوامع و تمدن‌های بشری را می‌سازد و نهادهای اجتماعی را بنیان می‌نهد (خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۸).

۴-۱. دور کردن جامعه علمی از سیاست‌زدگی

شاید هیچ عاملی مخرب‌تر و ویرانگرتر از مسائل سیاسی خطی و جناحی، برای حوزه دانش و دانشمندان نباشد. هر حزب و گروه سیاسی، کارویژه، وظیفه و رسالتی دارد؛ هر روزنامه، سایت سیاسی، وبلاگ و هر رسانه‌ای نیز کارویژه و نقش خود را در عرصه جامعه و سیاست ایفا می‌کند. حزب و گروه سیاسی یا روزنامه و ژورنالیسم، قاعدتاً و عقلاً باید منافع حزب، گروه و ارگان خود را تأمین کنند، درحالی‌که کارویژه، رسالت، و وظیفه جامعه علمی و دانشگاهی و دانشمندان و استادان کشور، فراتر از اینهاست، اینها باید به تمام کشور بیان‌دهند نه به بخشی از آن، و باید برای بیست سال، پنجاه سال و یکصد سال آینده برنامه‌ریزی کنند نه چهار سال و هشت سال. اینها باید عملکرد افراد، احزاب، گروه‌ها، و مردم را در قالب‌های علمی برای آینده، نظریه‌پردازی کنند، نه اینکه خود جزء آن بازیگران باشند. هزاران نفر که در عرصه سیاست کشور در احزاب، گروه‌ها، روزنامه‌ها و... فعالیت سیاسی می‌کنند، یا دارای وبلاگ و سایت هستند، باید از جامعه علمی کشور تغذیه کنند و خط مشی بگیرند، و خود را شاگرد جامعه علمی و استادان و پژوهشگران بدانند، نه اینکه استادان و پژوهشگران که باید نظریه‌پردازان و رهبران فکری جامعه باشند جایگاه عظیم خود را از دست داده، خود به یکی از وبلاگ‌نویسان و ژورنالیست‌ها و فعالان سیاسی تبدیل شوند، و بدتر از اینها، تحت تأثیر مطبوعات، رسانه‌ها و جریان‌های سیاسی باشند.

۲. سیاست‌گذاری

برای ایجاد تحول در حوزه نظام عالی آموزش و پژوهش، لازم است در زمینه سیاست‌گذاری برخی اقدامات صورت گیرد که به توضیح و تبیین آنها می‌پردازیم:

۲-۱. تقویت سهم اعتبارات تحقیقاتی و توسعه علمی و فناوری از تولید ناخالص داخلی

اعتبارات علمی و پژوهشی کشور، به نسبت جایگاه ایران و توانایی‌های بالقوه علمی و پژوهشی آن به شدت پایین است. ضمن اینکه میزان و نحوه تخصیص مالی، اثرات مستقیمی بر میزان و کیفیت رشد علمی دارد (عزتی و نادری، ۱۳۸۸: شماره ۵۲: ۵۰). لازم است به تفکیک دستگاه‌های اجرایی، شرکت‌های دولتی و بخش خصوصی، سهم اعتبارات تحقیقاتی و توسعه علمی و فناوری از تولید ناخالص داخلی افزایش یابد، و از سوی دیگر توقعات و نیازهای دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی و بخش خصوصی، به روشنی به جامعه علمی کشور اعلام شود.

۲-۲. تأکید بر استقلال مالی و اداری دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشور

بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم کشور، پیامدهای بسیار مثبت و سازنده‌ای در جهت چابک‌سازی و در نتیجه رشد و ارتقای دانش و پژوهش کشور داشته است. ضروری است در این چهارچوب، ضمن تثبیت ماده ۴۹، در همین قالب یا قالب‌های مشابه، استقلال و اختیارات بیشتری به دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور داده شود و در عوض مکانیسم‌های نظارتی، پاسخ‌خواهی، شفافیت در عملکرد و مسئولیت‌خواهی از آنان افزایش یابد. بررسی‌ها نشان می‌دهد وجود هیئت‌های امنا در رأس ساختار سازمانی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور، با تمام افت و خیزها و مشکلات احتمالی، نقش مؤثر و سازنده‌ای در جهت رشد و توسعه دانش و پژوهش داشته است (آذر گشب، آراسته، صباغیان و توفیقی، ۱۳۸۶: شماره ۴۶: ۱۷-۳) و ضرورت دارد اختیارات قانونی بیشتری به آنها واگذار شود.

۲-۳. گسترش و تعمیق به‌کارگیری فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات در حوزه آموزش و پژوهش^۱

پژوهش‌ها نشان می‌دهد بین فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یک زیرساخت مهم، و توسعه علمی کشورها، رابطه معناداری وجود دارد (منیعی، کارولوکس و فراستخواه، ۱۳۸۸:

۱. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی متعلق به مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، شماره ۴۳، بهار ۱۳۸۶ طی مقالات ارزشمندی به طور ویژه به بررسی ابعاد مختلف استفاده از فناوری‌های نوین در آموزش عالی و پژوهش و دانشگاه‌های مجازی اختصاص داده است.

شیوه‌های تحول و بهبود آموزش عالی... / ۷

شماره ۵۱: ۸۷-۸۴). در روند توسعه اطلاعاتی نظام‌های آموزش عالی جهان و رشد اطلاعاتی کشورها با فناوری‌های نوین، کشورهای جهان را به پنج دسته پیش‌تازان، تندرندگان، آیندگان، آغازگران، و بازماندگان تقسیم کرده‌اند. درحالی‌که سنگاپور در زمره پیش‌تازان، و کویت در زمره تندرندگان قرار دارند، کشور ایران در گروه بازماندگان واقع شده است (منتظر، ۱۳۸۶: شماره ۴۳: ۵-۴).

با پیشرفت دنیای اینترنت، رایانه و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، روش‌های جدید آموزش و پژوهش نیز ابداع شده که فناوری‌های نوین فوق‌نقش اساسی در این روش‌ها ایفا می‌کنند (منیعی و دیگران، ۱۳۸۸: ۸۷-۸۴). پژوهش‌ها نشان می‌دهد در مجامع علمی و دانشگاهی ایران، عوامل راهبردی در توسعه و ارتقای دانش مثل استفاده از شبکه دانش، انتشار الکترونیکی آثار، امکان دسترسی به منابع دانشی موجود، سرمایه‌گذاری سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، و برخورداری از برنامه‌ها و نرم‌افزارهای علمی و ارتباطی، در وضعیت مناسب قرار ندارد (دری و طالب‌نژاد، ۱۳۸۷: شماره ۴۹: ۱۴). در راستای توسعه سواد اطلاعاتی باید دو اقدام صورت گیرد: نخست برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای برخی اعضای هیئت علمی، و دوم طراحی نظام آموزش و پژوهش بر اساس فناوری‌های نوین که دانشجویان و پژوهشگران از همان ابتدا با این شیوه آشنا شوند و انس گیرند. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد از بین هزار نفر از شاغلان دولتی سراسر کشور با تحصیلات دیپلم تا دکترا، کمتر از ۱۲ درصد آنها با مقدمات اصلی استفاده از نرم‌افزارهای فناوری اطلاعات آشنا هستند (منتظر، ۱۳۸۶: ۱۷). به نظر می‌رسد ضرورت دارد برنامه جامع توسعه سواد اطلاعاتی در ایران که برخی الگوهای آن نیز توسط پژوهشگران ارائه شده، (منتظر، نصیری صالح و فتحیان، ۱۳۸۶: شماره ۴۴: ۱۲۷-۱۱۱) به اجرا درآید و تحقق یابد.

۴-۲. انجام تحقیقات راهبردی در مورد سیاست‌گذاری علم و توسعه علوم انسانی

امروزه «مدیریت دانش» خود یک حوزه تخصصی عمیق و گسترده است. ضروری است برخی تحقیقات راهبردی در مورد سیاست‌گذاری علم در ایران و توسعه علوم انسانی که مبنای و اساس برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اداره جامعه است، صورت پذیرد و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های بعدی بر مبنای یافته‌های این تحقیقات طراحی و

تدوین شوند. گذشته از اینکه سرمایه‌گذاری مناسبی برای تولید، توزیع و بهره‌برداری از دانش در ایران صورت نمی‌گیرد، بهره‌وری و اثربخشی سرمایه‌گذاری صورت گرفته و اقدامات انجام‌شده نیز بسیار پایین است. مثلاً در سال ۱۳۸۳، در نظام دانش ایران، به ازای هریک‌صد طرح پژوهشی توسعه‌ای، فقط هشت اختراع، و به ازای هریک‌صد طرح پژوهشی بنیادی، هفت کشف، و به ازای هریک‌هزار محقق، یازده اختراع ثبت شده و هفت کشف وجود داشته است (انتظاری، طایی و عرب‌مازار، ۱۳۸۶: شماره ۴۵: ۳).

۵-۲. توسعه همکاری‌های علمی و تحقیقاتی بین‌المللی

همیشه رشد و پیشرفت در عرصه رقابت ایجاد می‌شود، ضمن اینکه افراد می‌توانند از تجربیات و یافته‌های یکدیگر استفاده کنند. هم‌اوردی با رقبای قوی‌پنجه، ما را قوی‌تر می‌کند و بهتر می‌تواند عیار کارآمدی و میزان پیشرفت ما را نشان دهد درحالی‌که اگر آن رقابت را کنار بگذاریم، و خودمان بنویسیم، خودمان چاپ کنیم و خودمان نیز تعریف و تمجید کنیم، شاید رشد و پیشرفت چندانی حاصل نشود. به نظر می‌رسد رشد و توسعه‌ای که در دهه اخیر در علوم پزشکی، علوم فنی - مهندسی و علوم پایه ایجاد شده، تا حدی نتیجه ارتباطات بین‌المللی این حوزه‌ها، و رقابت استادان و پژوهشگران آنها با همکاران بین‌المللی خود بوده است، درحالی‌که در علوم انسانی و اجتماعی این اتفاق به صورت ضعیف رخ داده است و همچنان نحیف مانده‌ایم. از آنجاکه مشی ما، معمولاً فرهنگ افراط و تفریط است موجب شده گاهی چاپ آثار در مجلات بین‌المللی را معیار مطلق بینگاریم و مثلاً داشتن مقاله ISI را اصل خدشه‌ناپذیر قلمداد کنیم و هرگونه ارتقا و استخدام را به آنها منوط کنیم، و گاهی از سوی دیگر تمام اینها را زیر سؤال ببریم و اهمیت چاپ مقاله در نشریات بین‌المللی را ناچیز انگاریم؛ درحالی‌که باید راه میانه را پی‌گرفت. حوزه علوم انسانی کشور، برای تحول و رشد و ارتقای خود، به شدت نیازمند همکاری‌های بین‌المللی است که برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی مشترک، انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک، مبادله استاد و پژوهشگر بین مراکز علمی پژوهشی داخلی و خارجی، چاپ آثار مشترک با مؤسسه‌های پژوهشی معتبر خارجی، انتشار دستاوردهای تحقیقاتی در کشورهای خارجی و برگزاری دوره‌های مشترک آموزشی از جمله آنهاست.

آنچه مسلم است و برخی پژوهش‌های انجام‌شده نیز نشان می‌دهد، ارتباط‌های علمی و بین‌المللی در مجامع علمی و دانشگاهی ایران، در حد نامناسب و ضعیف قرار دارد (بهروز درّی و طالب‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۵). بین‌المللی‌سازی و جهانی‌سازی آموزش عالی و پژوهش، موج پُر قدرتی است که آغاز شده، و ما هر چقدر هم بخواهیم از آن کنار بمانیم - اگر امکان داشته باشد - باز هم آموزش عالی ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد (برتون، لامبرت و دیگران، ۱۳۸۷) و منفعلانه و به ناچار به پیامدهای آن تن خواهیم داد، در صورتی که اگر از قبل همکاری‌های بین‌المللی خود را گسترش داده باشیم، می‌توانیم نقش فعال و تأثیرگذاری ایفا کنیم. بر این اساس، بین‌المللی شدن آموزش عالی و پژوهش که به نظر می‌رسد امر گریزناپذیری باشد، مستلزم پیش‌نیازهای خاص خود است که هر کشوری این پیش‌نیازها را از قبل تمرین کرده و با آنها خو گرفته باشد تا بتواند در عرصه بین‌المللی به صورت فعال ظاهر شود (سرکار آرانی، ۱۳۸۳: ۱۵۵-۱۵۱). در این صورت پژوهشگران ایرانی به‌خصوص در حوزه مطالعات بومی، ارائه دیدگاه‌ها و نظریات برآمده از آموزه‌های اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی در حوزه‌های تخصصی، و در حوزه مباحث سیاسی، اجتماعی و روان‌شناختی برآمده از متون و ادبیات فارسی، دیدگاه‌های جدی و قابل طرحی خواهند داشت.

۶-۲. تقویت انجمن‌های علمی

انجمن‌های علمی و تشکّل‌های دانشگاهی را باید مهم‌ترین سرمایه در نظام دانایی هر کشور و عوامل زمینه‌ساز توسعه ملی به حساب آورد (زاهدی، در: لطیف، ۱۳۸۸: ۱۹۷-۱۹۰). همچنین انجمن‌های علمی این قابلیت را دارند تا در سیاست‌گذاری و ارزیابی نظام آموزش و پژوهش کشور، نقش جدی، مؤثر و سازنده‌ای ایفا کنند (فراستخواه، ۱۳۸۸: ۵۸-۲۸). امروزه در چرخه ایجاد تحول و ارتقای آموزش و پژوهش در سطح عالی، تقویت انجمن‌های علمی، امری ضروری و گریزناپذیر است. این انجمن‌ها دولتی نیستند و در نتیجه به لحاظ اداری و مالی بار مضاعفی بر ساختار دولت تحمیل نمی‌کنند، همچنین وظیفه و رسالت خود را تلاش در جهت رشد و ارتقای دانش و پژوهش تعریف کرده‌اند، و در این امر متخصص، کاردان و چابک هستند. مشاهده‌ها و تجربه‌ها نشان می‌دهد حدود ۸۰ درصد از حجم فعالیت‌های این انجمن‌ها، علمی و پژوهشی، و حدود ۲۰ درصد اجرایی است، درحالی‌که اگر همین کارویژه در نظام دولتی تعریف شود، حجم فعالیت‌ها تقریباً عکس می‌شود.

انجمن‌های علمی را از چند طریق می‌توان تقویت کرد: نخست حمایت‌های مالی محدود و کارمحور، مثلاً به ازای هر شماره نشریه علمی - پژوهشی که بدون تأخیر منتشر شود، مبلغی پرداخت شود یا به ازای هر پروژه تحقیقاتی که انجمن برای دستگاه‌های اجرایی انجام دهد، مبلغی تشویقی پرداخت شود؛ دوم حمایت‌های تجهیزاتی مثل در اختیار گذاردن تجهیزات رایانه‌ای، اینترنت و فضای فیزیکی مجهز، سوم تسهیل اختیارات قانونی انجمن‌ها برای گسترش روابط علمی و تحقیقاتی با مؤسسات خارجی و بین‌المللی و تأمین برخی هزینه‌های آنان در این مسیر و چهارم اعطای فرصت‌های مطالعاتی به اعضای فعال انجمن‌های علمی که توسط هر انجمنی معرفی می‌شود. به هر حال انجمن‌های علمی چه در سطح اساتید و چه انجمن‌های علمی دانشجویی، می‌توانند کارکردهای متعدد، اساسی و مهمی در روند توسعه علمی کشور داشته باشند و نباید از این ظرفیت غافل بود (شارع‌پور، فاضلی، ۱۳۸۶: ۷۰-۵۰).

۲-۷. جداسازی نظام آموزش و پژوهش علوم انسانی از علوم پایه و فنی و مهندسی

آموزش و پژوهش در هرکدام از حوزه‌های علوم انسانی - اجتماعی، و علوم پایه و فنی و مهندسی، شرایط، اقتضانات و قواعد خاص خود را دارد، معیارهای تولید و توزیع دانش در هرکدام از اینها دارای تفاوت‌های ماهوی است و البته این امر به تفاوت ماهیت این علوم بازمی‌گردد. ضرورت دارد که در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، تخصیص بودجه، قوانین استخدام و ارتقای اعضای هیئت علمی، معیارهای سنجش و گزینش استادان و پژوهشگران انتخاب شوند و با معرفی مراکز و مؤسسه‌های پژوهشی برتر، قوانین مربوط به مقالات و نشریات علمی پژوهشی، و سایر موارد مشابه، حوزه علوم انسانی اجتماعی و علوم پایه و فنی مهندسی از یکدیگر تفکیک شوند و هرکدام به تناسب ماهیت و اقتضانات ماهوی، به طور جداگانه دارای قوانین و قواعد خاص خود باشند. اشتراک این دو حوزه در برخی قوانین، مقررات، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، ضررهای جبران‌ناپذیری برای حوزه علوم انسانی به دنبال داشته است.

۳. زیرساخت‌ها، قوانین و روندها

برای تحول، رشد و ارتقای آموزش و پژوهش عالی کشور، سومین زمینه‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد و تغییراتی در جهت کارآمدسازی در آنها صورت پذیرد، زیرساخت‌ها،

قوانین و روندهای مربوطه است. اقداماتی که لازم است با هدف فوق در این زمینه صورت گیرد در پی می‌آیند:

۱-۳. استانداردهای تجهیزاتی و امکانات

پژوهش‌ها نشان می‌دهد وضعیت تجهیزاتی و فضای کالبدی در مجامع علمی کشور، از وضعیت مناسبی برخوردار نیست (بهرروز درّی و طالب‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۵). لازم است فضاهای فیزیکی، امکانات موجود در این فضاها، تجهیزات مورد نیاز، شبکه اینترنت و سایر شبکه‌های ارتباطی و موارد مشابه، به لحاظ کیفیت ارتقا یافته و متناسب با شرح وظیفه‌ای که تعیین شده و تعداد استفاده‌کنندگان، طبق شاخص‌های موجود استانداردهای آموزشی شوند. طبعاً نوع و میزان این امکانات و نحوه ارتقای کیفیت آنها در فضاهای آموزشی و پژوهشی متفاوت خواهد بود ولی به هر حال متناسب با هر کدام باید اقدامات لازم صورت گیرد. امروزه آموزش در فضاهای مجازی و محیط‌های آموزش اینترنتی و شکل‌گیری دانشگاه‌های مجازی، نقش مهمی را در روند آموزش عالی و پژوهش ایفا می‌کنند و حتی اجتماعات مجازی آموزشی و پژوهشی شکل گرفته‌اند (مکنی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۴۶-۱۷۸). نکته مهم اینکه در مورد دانشگاه مجازی و استانداردهای آن، ما باید با بررسی تمام جوانب و نقاط ضعف و قوت آن، (عطاران، ۱۳۸۶: شماره ۴۳: ۷۰-۵۵) استراتژی کلان و درازمدت خود را تعیین کنیم و سپس به سمت ترویج و گسترش آن برویم.

۲-۳. بهبود قوانین و مقررات

اگرچه قوانین و مقررات از ابتدا با هدف تسهیل امور جوامع بشری پدید آمده‌اند ولی هم‌اکنون در کشور ما، با پیچیده شدن امور و انباشته شدن قوانین، در برخی موارد نتیجه عکس شده و قوانین خود به مانعی در جهت رشد و پیشرفت تبدیل شده‌اند. به این دلیل بازنگری در قوانین موجود یا تصویب قوانین جدید در جهت رشد و ارتقای حوزه آموزش و پژوهش، امری ضروری به نظر می‌رسد. اصلاح، بهبود و روان‌سازی قوانین و مقررات در حوزه آموزش و پژوهش می‌تواند از طریق شیوه‌های زیر صورت پذیرد:

۱. واگذاری اختیارات قانونی بیشتر به مراکز آموزشی و پژوهشی؛

۲. رفع موانع اداری، مادی و حقوقی در مسیر پژوهش‌های جدی و عمیق؛

۳. تداوم ساختار هیئت امنایی مراکز علمی و پژوهشی و تقویت آن؛

۴. بازنگری قوانین و مقررات موجود در جهت تسهیل روندهای پژوهش و ارتباطات و

تعاملات بین‌المللی؛

۵. تصویب قوانین کارآمد در جهت اتقان علمی نتایج پژوهش.

۳-۳. طراحی و ایجاد نظام اعتبارسنجی و ارزشیابی بیرونی و درونی

اعتبارسنجی و ارزشیابی مستمر، به نظام آموزش عالی و پژوهش کشور کمک می‌کند تا در یک فرایند دائمی، به نقاط ضعف و قوت خود آگاهی پیدا کند و فرصت‌ها و تهدیدها را بشناسد. این امر به برنامه‌ریزی بهتر، تخصیص مناسب‌تر منابع و در نهایت به ارتقای کیفی آموزش و پژوهش منجر می‌شود. نتایج اعتبارسنجی، اسناد قابل اتکایی در دست سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران آموزش عالی و پژوهش خواهد بود و همچنین زمینه انجام تحقیقات بیشتر را برای پژوهشگران این موضوع فراهم خواهد کرد. هم نظام اعتبارسنجی و ارزشیابی درونی و هم بیرونی، هر دو لازمه نظام آموزش عالی و پژوهش است و هر کدام مزایا و کارویژه‌های خاص خود را دارد (سیاری، سیاری و ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۳۷-۵).

۳-۴. بازتعریف نقش کارشناسان و ارتقای سطح آموزش و کارآمدی آنها

اگر بگویم هر بخش از جامعه علمی مهم کشور، وابسته به چند نفر کارشناس است سخنی به گزاف نگفته‌ایم، به طور مکرر مشاهده شده که از تحویل یک طرح‌نامه به یک مرکز پژوهشی تا رسیدن پاسخ، ۶ یا ۸ ماه به طول انجامیده یا مثلاً تصویب چند رشته در شورای گسترش آموزش عالی، ماه‌ها و گاهی بیش از یک سال به طول می‌انجامد چون باید مراحل را طی کند، ولی طی شدن این مراحل چه در طرح پژوهشی و چه در تصویب رشته، کاملاً به یک یا چند نفر کارشناس و کارمند بستگی دارد که باید این مراحل را پیگیری کند. در مثال فوق یا مثلاً ارسال نشریه متقاضی رتبه علمی - پژوهشی، مشاهده شده که کارشناس مزبور پس از اینکه محرز شده باید اثر را برای ارزیابی ارسال کند، دو یا سه ماه بعد ارسال کرده، و پس از آن نیز هیچ تماس و پیگیری جدی برای بازگشت کار نداشته است. همچنین پرونده‌های مربوط به ارتقای رتبه اعضای محترم هیئت علمی، گاهی تا بیش از یک سال ونیم منتظر می‌ماند، درحالی که اگر شرح وظایف زمانبندی شده کارشناسان تعریف می‌شد، یا

نظارت بیشتر و نظام‌مندتری بر آنها صورت می‌گرفت و یا اینکه تعداد آنها افزایش می‌یافت، امور اداری حوزه آموزش و پژوهش با سرعت به مراتب بیشتری به پیش می‌رفت. تجربه عملی چندین ساله نگارنده در نظام اداری پژوهش کشور نشان می‌دهد ناکارآمدی، ضعف آموزش، بی‌نظمی و بی‌تعهدی کارکنان و کارشناسان رده‌های میانی و پایین، نقش بسزایی در عقب‌ماندگی علمی کشور دارد.

۳-۵. ایجاد معافیت‌های مالیاتی، حقوق گمرکی و... برای امور پژوهشی

بودجه‌های آموزشی و به‌خصوص پژوهشی در کشور ما چه برای پرداخت حق‌الزحمه و چه برای تجهیزات و امکانات بسیار ناچیز است. این مشکل در حوزه علوم انسانی و اجتماعی به مراتب بیشتر است و حق‌الزحمه‌های پژوهشی در مرتبه بسیار نازلی قرار دارد به طوری که می‌توان گفت استادان صرفاً از روی علاقه و گاهی تبرعاً به پژوهش اقدام می‌کنند، در حد همان حق‌الزحمه و حق‌الجلسه و حق ارزیابی ناچیز نیز، ۱۰ درصد مالیات کسر می‌شود. یکی از راه‌های جبران این مشکل، معافیت‌های مالیاتی کلیه فعالیت‌های پژوهشی به‌خصوص در حوزه علوم انسانی، و معافیت از عوارض و حقوق گمرکی در وارد کردن امکانات و تجهیزات علمی و پژوهشی به‌خصوص برای حوزه علوم پایه، فنی - مهندسی و علوم پزشکی است.

۴. نیروی انسانی

شاید تردیدی نباشد که مهم‌ترین عامل در دانش و فناوری و طبعاً رشد و ارتقای آن، نیروی انسانی است. در مجامع علمی و دانشگاهی برخی از کشورها مثل عربستان سعودی امکانات و تجهیزات، کتابخانه‌های بزرگ، دسترسی آسان به شاهراه‌های اطلاعاتی، و منابع مالی فراوانی وجود دارد ولی نیروی انسانی متخصص و صاحب‌نظر چندانی وجود ندارد؛ در نتیجه رشد و توسعه علمی به سرعت اتفاق نمی‌افتد. تحقیقات نشان می‌دهد میزان تولید دانش و اندیشه در کشور و بهره‌وری پژوهشی اعضای هیئت علمی، با توانایی، تخصص و قابلیت‌های گوناگون آنان ارتباط وثیقی دارد (علی‌بیگی، ۱۳۸۶: شماره ۴۶: ۱۴۸-۱۲۶). از نظر تخصص، انگیزه و مهارت‌های حرفه‌ای، اغلب اعضای هیئت علمی کشور ما - به‌خصوص در شهرستان‌ها - در شرایط مناسبی قرار ندارند (عزیزی، ۱۳۸۵: ۱۲۰). برای تحول و ارتقای حوزه آموزش عالی و پژوهش در ایران، در زمینه نیروی انسانی باید اقداماتی صورت گیرد که مهم‌ترین آنها در پی می‌آید:

۴-۱. بازنگری در مقررات استخدام اعضای هیئت علمی

این بازنگری باید با چند هدف صورت گیرد: نخست جذب اعضای هیئت علمی متخصص و کارآمد که دارای آثار پژوهشی منتشرشده فراوان باشند و دست کم به یک زبان بین‌المللی به طور کامل مسلط باشند. حتی برای مشاغل آموزشی، داشتن پیشینه پژوهشی قوی ضروری است؛ دوم لغو استخدام رسمی در تمام دستگاه‌های دولتی از جمله در مراکز دانشگاهی و پژوهشی، چون تجربه به طور مکرر نشان داده کارایی کارکنان دولت پس از استخدام رسمی به شدت کاهش می‌یابد و وظایف اداری برای آنان در اولویت چندم قرار می‌گیرد. در نظام دولتی افراد باید بدانند تا زمانی که به طور فعالانه کار می‌کنند، حضور خواهند داشت. سوم اینکه باید به شدت بر حذر بود و مانع از این شد که اعضای هیئت علمی، بر اساس شاخص‌های دوستی، روابط فامیلی، یا معیارهای سیاسی و جناحی گزینش شوند.

۴-۲. ایجاد ظرفیت برای بهره‌گیری از استادان خارجی و استادان ایرانی خارج از کشور

در جهت رشد و ارتقای حوزه دانش و پژوهش در ایران، تعامل با استادان خارجی و استادان ایرانی خارج از کشور امری ضروری است. این تعامل با دو هدف صورت می‌گیرد، نخست اینکه جامعه علمی ایران از تجربیات علمی و دانشگاهی سایر کشورها استفاده خواهند کرد و یافته‌ها و دستاوردهایی که سال‌ها با صرف هزینه‌های فراوان به دست آمده به‌آسانی در معرض اطلاع جامعه علمی ایران گذاشته می‌شود، دوم اینکه جامعه علمی ایران نیز به تکاپو واداشته می‌شود. اغلب دروسی که در دانشگاه‌های ایران تدریس می‌شود، به‌خصوص در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، روزآمد نیست و حتی برخی مواقع مشاهده می‌شود که استادی، جزوه‌ای را سال‌ها تکرار می‌کند و تحول و نوآوری چندانی در آن ایجاد نمی‌کند. طبیعی است که ایجاد ظرفیت‌های جدید و تدوین راهکارهای مناسب برای استفاده از تخصص، توانایی و قابلیت‌های دانشمندان و استادان ایرانی خارج از کشور، در دانشجویان توقع ایجاد می‌کند و استادان نیز مجبور می‌شوند به متون جدیدتر و جدیدتری روی آورند و در جریان آخرین دستاوردهای بشری قرار گیرند. پرسش مهمی که مطرح می‌شود این است که چرا دانشگاه‌های ما تمایلی به روابط بیرونی ندارند، این امر می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد که یکی از

مهم‌ترین آنها نبود فرهنگ دانشگاهی قوی با جهت‌گیری بیرونی است، فرهنگی که در داخل دانشگاه شکل می‌گیرد و آماده پذیرش هرگونه نوآوری از جمله بین‌المللی شدن دانشگاه است (صباغیان، در: یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۸۸: ۸۸-۸۷).

۳-۴. استفاده از ظرفیت‌های مغفول استادان و پژوهشگران داخلی

بسیاری از استادان و پژوهشگران توانای کشور، عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی نیستند و حتی برخی از آنان اساساً در نظام دولتی اشتغال ندارند، اینها سرمایه‌های ارزشمندی هستند که می‌توانند در جهت رشد و ارتقای دانش و پژوهش کشور ایفای نقش کنند ولی در ساختارهای اداری دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی، هیچ‌گونه ظرفیتی برای استفاده از اینها وجود ندارد. لازم است مکانیسم‌های ساختاری، قانونی و اداری طراحی و پیش‌بینی شود تا این اساتید شناسایی شده و از تجربیات و دانش آنها استفاده شود.

سازوکارهای حوزه آموزش عالی

آموزش صرفاً یک حرفه، تخصص یا کارکرد نیست، بحث تعلیم و تربیت جایگاه پیچیده و والایی در فرهنگ اسلامی و ایرانی داشته و امروزه گفته می‌شود که آموزش «مأموریت انتقال استراتژی‌ها برای زندگی کردن» است و این مأموریتی بسیار سترگ و مهم به شمار می‌رود (مورن و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۹-۸۸). بخش اعظمی از نظام علمی کشور ما را، آموزش عالی یا دانشگاه‌ها تشکیل می‌دهند که به امر آموزش و تربیت متخصص اشتغال دارند. در حوزه آموزش عالی، مشکلات، چالش‌ها و نارسایی‌های متعددی وجود دارد که باید در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار گیرد. برای ایجاد تحول و رشد و ارتقای این حوزه، انجام اقداماتی در زمینه‌های زیر ضروری به نظر می‌رسد.

۱. سیاست‌گذاری

سیاست‌گذاری در حوزه آموزش عالی و به‌خصوص دانشگاه‌ها، از جمله اقدامات به‌شدت تخصصی است که به صاحب‌نظران خاص خود نیاز دارد و هرگونه کم‌توجهی در این امر، خسارت‌های جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت. در زمینه سیاست‌گذاری حوزه آموزش عالی، اصلاحات و تحولاتی به شرح زیر باید در دستورکار قرار گیرد.

۱-۱. توقف رشد کمی به خصوص در رشته‌های علوم انسانی و توجه بیشتر به رشد کیفی

به نظر می‌رسد در دو دهه گذشته، افزایش چشمگیر آموزش عالی و شاید ایجاد عطش کاذب گرایش به مدرک و تحصیلات عالی بدون توجه به کیفیت و کارایی، صدمه جدی بر نظام علمی ایران وارد کرده است (عزیزی، ۱۳۸۵: ۹۹-۹۸)؛ ضمن اینکه امروزه به لحاظ کمی جامعه اشباع شده و با تعداد زیادی بیکار مدرک به دست رویه‌روست، درحالی که به شدت به نیروهای کیفی و کاردان نیاز دارد، ولی دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها فقط مدرک در دست دارند نه تخصص و کارایی لازم؛ بنابراین ضروری است به سرعت رشد کمی متوقف شده و اقدامات اساسی در جهت عمق‌بخشی، و رشد کیفی نظام آموزش عالی کشور صورت گیرد. ایران به عنوان کشوری مهم و با سابقه، سهم مناسبی در تولید دانش علوم انسانی ندارد (یاریار و ملکی، ۱۳۸۵). بخش مهم این نقیصه به ضعف سیاست‌گذاری در حوزه علوم انسانی برمی‌گردد که البته آن هم در مشکل عمیق‌تری ریشه دارد و آن نگرش رایج و منفی برخی مدیران، مسئولان و تصمیم‌گیران به علوم انسانی است که آن را دست دوم و غیرضروری تلقی می‌کنند (فیض، ۱۳۸۵)؛ البته کیفیت‌گرایی در آموزش عالی باید به گونه‌ای هدایت شود که در چهارچوب سیاست‌ها و ارزش‌های کشور باشد و با غلبه الگوهای تجاری، ارزش‌های اساسی و بنیادین آموزش عالی نادیده گرفته نشود (مهرعلی‌زاده، ۱۳۸۷: شماره ۳: ۷۶).

۱-۲. طبقه‌بندی دانشگاه‌های کشور و تجدید نظر در مأموریت‌های هر کدام

بهتر است دانشگاه‌های کشور از جهت گرایش کلی به سه دسته آموزش‌محور، پژوهش‌محور و کارآفرین دسته‌بندی شوند و هر کدام در حیطه تخصصی خود متمرکز شوند، برخی دانشگاه‌های مهم باید با هدایت برنامه‌های خود به سمت پژوهش‌محوری، به دنبال تربیت دانشمندان و نظریه‌پردازان برآیند، برخی دیگر با محور قرار دادن آموزش، صرفاً به تربیت نیروهای متخصص و کارآمد برای رفع نیازهای روزمره جامعه پردازند، و دانشگاه‌های کارآفرین نیز طبق وظایف و رسالتی که برای خود تعریف می‌کنند، به دنبال طراحی الگوهایی برای کارآفرینی در جامعه باشند.

۱-۳. مأموریت‌گرا کردن دانشگاه‌ها

در راستای مأموریت‌گرا کردن دانشگاه‌ها، ابتدا باید به چند آسیب اشاره کرد: نخست اینکه هم‌اکنون دانشگاه‌های ایران با صرف بودجه‌های کلان، به تربیت دانشجویانی می‌پردازند که

بخشی از آنان به‌خصوص در رشته‌های فنی و مهندسی، به کشورهای خارجی مهاجرت می‌کنند. دوم اینکه در بسیاری از تخصص‌ها در کشور، به نیروی متخصص نیاز است درحالی‌که در بعضی دیگر از رشته‌ها و تخصص‌ها، تورم کارشناس وجود دارد، سوم اینکه دانش‌آموختگان فراوانی در کشور وجود دارند اما مشکلات اجتماعی همچنان پابرجاست، درحالی‌که قرار بود آن دانش‌آموختگان بتوانند مسائل و مشکلات جامعه را حل کنند، ولی الان قادر نیستند و این امر نشان می‌دهد که دانشگاه وظیفه و مأموریت اصلی خود را به‌طور دقیق انجام نداده است. بر این اساس لازم است با هدف مأموریت‌گرا کردن دانشگاه‌ها، مأموریت‌های آنها به‌طور دقیق و روشن تعریف شود و دانشگاه‌ها موظف شوند طبق مأموریت عمل کرده و با ملاک قرار دادن نتیجه‌گرایی، در صورت حصول نتیجه لازم، به برنامه‌های خود ادامه دهند.

۲. برنامه‌ریزی آموزشی

معمولاً در ایران در مورد رشته‌های دانشگاهی یک‌بار برنامه‌ریزی اساسی صورت می‌گیرد و آن هم بار اولی است که رشته تأسیس می‌شود. در سال‌های بعد، بازنگری در رشته‌ها یا واحدهای درسی آنها به‌چنان‌کندی پیش می‌رود که آن تحول و بازنگری عملاً دیده نمی‌شود و فوایدی به دنبال ندارد، چون سرعت آن با سرعت تحولات اجتماعی از یک سو، و تحولات علمی و پژوهشی از سوی دیگر، تناسب ندارد. بر این اساس در راستای تحول و ارتقای آموزش عالی کشور، اقدامات زیر باید در زمینه برنامه‌ریزی آموزشی صورت پذیرد.

۲-۱. تمرکززدایی از برنامه‌ریزی درسی

امروزه برنامه‌ریزی درسی خود به‌تخصص مهمی تبدیل شده که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن شرایط خاص هر دانشگاه یا الزام‌های ملی منطقه‌ای و محلی است. ضمن اینکه تنوع از جمله مفاهیم و اصول مهم برنامه‌های آموزش عالی به‌شمار می‌رود (مک‌نی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۶۷). تفویض اختیارات برنامه‌ریزی به دانشگاه‌ها و الزام آنها مبنی بر صرف بودجه‌های پژوهشی خود در این راه، زمینه رشد و پویایی آموزش عالی کشور را پیش از پیش فراهم می‌کند و فواید فراوانی به دنبال دارد (مهرمحمدی، ۱۳۸۷: شماره ۳: ۱۷-۱)؛ به‌رغم اینکه پژوهش‌ها نشان می‌دهد سهم مشارکت دانشگاه‌ها در بازنگری برنامه‌های درسی ناچیز است و این امر ضعف و ناکارآمدی این دروس را به دنبال داشته، ولی از سوی دیگر،

نیروی متخصص و کارآمد، بودجه کافی و انگیزه لازم برای استادان و دانشگاه های کشور به خصوص در شهرستان ها برای مشارکت در برنامه ریزی درسی یا بازننگری در آنها وجود نداشته که توجه به این امر نیز ضروری است (نوروززاده، محمودی، فتحی و اجارگاه و نوه ابراهیم، ۱۳۸۵: شماره ۴۲: ۷۳-۸۹). پژوهش ها نشان می دهد شش دسته عوامل انگیزشی بیرونی، عوامل انگیزشی درونی، عوامل حرفه ای، عوامل درون سازمانی، عوامل برون سازمانی و عوامل علمی، بر مشارکت اعضای هیئت علمی در برنامه ریزی درسی دانشگاهی تأثیر دارند (فتحی و اجارگاه و مؤمنی مهمویی، ۱۳۸۷: شماره ۱: ۱۶۲-۱۴۰).

۲-۲. بازننگری مستمر و به روز در رشته های دانشگاهی

بازننگری مستمر و روزآمد رشته ها و واحدهای درسی دانشگاهی از لوازم و ضرورت های یک نظام علمی پویاست. تأسیس برخی دروس یا رشته های دانشگاهی و انحلال آنها پس از چند سال یا بازننگری مستمر در مفاد دروس، امری رایج و معمول در نظام دانشگاهی دانشگاه های برتر دنیاست در حالی که در ایران چنین نیست. بازننگری در رشته ها و دروس دانشگاهی با اهداف زیر صورت می پذیرد:

۱. هماهنگ سازی رشته ها و دروس و تناسب آنها با نیازهای اجتماعی؛

۲. هماهنگ سازی رشته با بازار کار؛

۳. پویا و روزآمد کردن دروس و مباحث با تحولات علمی روز؛

۴. افزایش رویکردهای میان رشته ای.

این بازننگری باید بر چند مبنا صورت گیرد: نخست بر اساس مطالعات و تحقیقاتی که تاکنون انجام شده، دوم سفارش تحقیقات جدید مورد نیاز، سوم تأسیس رشته های جدید میان رشته ای و کاربردی.

۲-۳. تقویت کیفی دوره های تحصیلات تکمیلی

گسترش کمی مقاطع تحصیلات تکمیلی، ضررهای جبران ناپذیری بر دانش کشور وارد می کند و سطح کیفی و تخصصی آنها را به شدت کاهش می دهد. هم اکنون استانداردهای کیفی تحصیلات تکمیلی در دانشگاه های کشور در وضعیت مناسبی قرار ندارد (دری و طالب نژاد، ۱۳۸۷: ۱۵). بر این اساس به نظر می رسد جذب دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه های کشور، نیازمند توقف رشد کمی و توجه به رشد کیفی و عمق علمی است. این در

حالی است که در مقطع دکتری، به هر دو رشد کمی و کیفی نیاز داریم، چون در این مقطع نه رشد کمی چندانی صورت گرفته و نه از سطح کیفی قابل قبولی برخوردار است. به طور کلی تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی از ضرورت بالایی برخوردار است و به سازوکار پیچیده و خاص خود نیاز دارد که باید در قالب یک الگو در صنعت دانش کشور استقرار یابد (محمدزاده، حجازی و بازرگان، ۱۳۸۶: شماره ۴۵: ۱۰۵-۸۶). نکته مهمی که باید در ارتقای کیفی تحصیلات تکمیلی مورد توجه قرار گیرد، توجه به مقوله کارآفرینی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد مهارت و تفکر کارآفرینی به کیفیت، نحوه و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی بستگی دارد (حسینی لرگانی، میرعرب رضی و رضایی، ۱۳۸۷: شماره ۵۰: ۱۳۵-۱۲۰).

۴-۲. ایجاد و گسترش مطالعات و رشته‌های میان‌رشته‌ای

در چند دهه اخیر، گسترش رشته‌های میان‌رشته‌ای یا ایجاد روش‌ها و متون جدید و متفاوت، نقش اصلی و اساسی در کاربردی و نیازمحور کردن علوم به خصوص علوم انسانی داشته‌اند و البته سیاست‌گذاری‌های خاص خود را می‌طلبند (مهرمحمدی، ۱۳۸۸: شماره ۳: ۶-۲). ادبیات میان‌رشته‌ای چند سالی است که وارد ایران شده و اقدامات اولیه‌ای توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در جهت طراحی و تدوین رشته‌های میان‌رشته‌ای از یک سو و تدوین و ترجمه روش‌ها و بنیان‌های نظری میان‌رشته‌ای‌ها از سوی دیگر صورت گرفته است (خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۷)، ولی هنوز تا استقرار این رشته‌ها در دانشگاه‌های کشور و تربیت متخصصان میان‌رشته‌ای از یک سو، و تولید پشتوانه‌های نظری و بنیان‌های تئوریک این مطالعات از سوی دیگر، راه زیادی باقی است. مهم‌ترین ویژگی میان‌رشته‌ای‌ها، کاربردی بودن آنهاست که نقشی جدی در حل مسائل اجتماعی و پاسخ به نیازها دارند زیرا مسئله محوری از ویژگی بارز میان‌رشته‌ای‌هاست (پورعزت و قلی‌پور، ۱۳۸۸: شماره ۳: ۱۳۸-۱۲۸) که بروز و ظهور آنها را ضروری ساخته است (خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۴).

سازوکارهای تحول در حوزه پژوهش

شاید بتوان گفت اساس و بنیان دانش، توسعه و شکوفایی پژوهش است. پژوهش پشتوانه آموزش عالی است و اگر حوزه پژوهش ضعیف بوده و دارای نوآوری نباشد، حوزه

آموزش عالی و تدریس به شدت پوک، سطحی و غیرکارآمد خواهد بود. هرگونه سرمایه گذاری در راستای رشد و توسعه علمی و تحول و ارتقای آموزش عالی، بنا به ضرورت باید در حوزه پژوهش صورت گیرد. طبیعی است که نتایج به دست آمده به حوزه آموزش راه خواهد یافت و تأثیرات خود را بر جای خواهد نهاد. برای ایجاد تحول در حوزه پژوهش، باید اقداماتی به شرح زیر در زمینه‌های مختلف صورت گیرد.

۱. سیاست گذاری

سیاست گذاری گام اول هر تحول است و طبعاً بعد از سیاست گذاری باید برنامه‌های متناسب تدوین شود و بودجه لازم تخصیص یابد. سیاست گذاری‌هایی که در جهت تحول و ارتقای پژوهش در کشور باید صورت گیرد به شرح زیر است.

۱-۱. تخصیص کردن مراکز پژوهشی و ایجاد مراکز پژوهشی میان رشته‌ای

هر مرکز پژوهشی باید در یک زمینه خاص به طور تخصصی به تحقیق و پژوهش بپردازد، و بر تولید، دانش، اندیشه و متون مبادرت ورزد، همچنین صاحب نظران و متخصصان آن حوزه را در خود گرد آورد و به تربیت متخصصان جدید و جوان بپردازد و به منبع و مرجع در آن زمینه تبدیل شود. یکی از دیدگاه‌های مهمی که امروزه در مورد آموزش عالی وجود دارد این است که حوزه تحقیق و آموزش از هم جدا شده است؛ به عبارت دیگر، تحقیقات به حدی تخصصی و مسئله محور شده‌اند که پیوند خود را با نیازهای عمومی دانشجویان از دست داده‌اند (جرارد دلانتی، ۱۳۸۶: ۱۸۲). این فرایند بسیار مهم و قابل توجه است و ضمن اینکه می‌تواند آفاتی در پی داشته باشد اما فواید ارزشمند آن غیرقابل چشم پوشی است. در راستای تخصصی شدن، ضروری است برخی از مراکز پژوهشی به طور تخصصی و در زمینه‌هایی خاص، میان رشته‌ای باشند و به عبارت دیگر برنامه‌ریزی توسعه پژوهش به صورت میان رشته‌ای صورت پذیرد (یمینی دوزی سرخابی، ۱۳۸۸: شماره ۲: ۲۱-۲).

۱-۲. مأموریت گرا کردن مراکز پژوهشی

در روند ارتقا و رشد علمی کشور، خلأها و نیازهای فراوانی وجود دارد، این نیازها ابتدا باید شناسایی شوند و سپس به هر مؤسسه و مرکز پژوهشی مأموریت داده شود که برنامه‌های خود را صرفاً در جهت انجام مأموریت محوله انجام دهد. طبعاً مأموریت گرا

کردن مراکز پژوهشی با تخصصی کردن آنها رابطه تنگاتنگ دارد و در یک راستا و در یک برنامه درازمدت عملی خواهد شد.

۳-۱. مسئله‌محور کردن تحقیقات به‌ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی

امروزه در دنیا کمبود منابع، بودجه، فرصت‌ها، زمان و امکانات از یک سو، و سرعت در پیشرفت و سختی رقابت از سوی دیگر، به اندازه‌ای است که کسی به دلیل تعلق خاطر روحی، یا علائق و سلیق شخصی و سازمانی به تحقیق و پژوهش نمی‌پردازد، بلکه هر پژوهشی در هر حوزه‌ای از جمله علوم انسانی و اجتماعی، بنا به ضرورت باید به پرسش مطرحی پاسخ دهد و مسئله و مشکل موجودی را حل کند و گرنه انجام آن تحقیق اساساً بلاموضوع می‌شود. در کشور ما پژوهش‌ها به‌خصوص در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، پیوند و ارتباط جدی با مسائل روز ندارند، و در بسیاری اوقات به دلیل علاقه‌های شخصی انجام می‌شوند یا در بهترین صورت، به تشخیص شخص محقق که مسئله جامعه چیست؟ درحالی‌که آن مسئله از راه‌های درست شناخته نشده و صرفاً یک برداشت شخصی است، اغلب کتاب‌ها و مقاله‌های علمی - پژوهشی، صرفاً در جهت افزایش اطلاعات نویسنده آن و استادان و دانشجویان مرتبط با آن رشته مفید است ولی گره‌ای از مسائل و مشکلات کشور نمی‌گشاید. ضروری است سیاست‌گذاری‌های جدی در مورد مسئله‌محور کردن پژوهش‌ها صورت پذیرد. این مسئله‌محوری باید بر اساس نیازهای بین‌المللی کشور ما، همچنین نیازهای ملی، استانی و محلی با یک رویکرد کاملاً کاربردی، سیاست‌گذاری و اجرا شود، اعم از اینکه پژوهش‌ها بنیادی، توسعه‌ای یا کاربردی باشند. نکته مهم دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که اساساً مسئله‌محوری باید از حوزه آموزش آغاز شود و یادگیری مسئله‌محور در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرد (محمدی روزبهانی، ۱۳۸۸: شماره ۲: ۱۱۴-۱۱۲).

۴-۱. تخصیص بودجه مراکز پژوهشی در قبال تولیدات علمی

هم‌اکنون مراکز پژوهشی بودجه سالیانه‌ای دارند که به آنها تعلق می‌گیرد ولی هیچ‌گاه پرسش نمی‌شود که به لحاظ کیفی و عملکردی، این بودجه به چه صورت هزینه شده است. جای بسی تعجب است که دولت مثلاً وقتی به نانوا آرد می‌دهد توقع دارد که نان به

مردم بدهد و اگر چند نوبت آرد تخصیص دهد ولی ناوایی نانی به دست مردم ندهد، سهمیه آرد او قطع می‌شود، ولی سال‌هاست که دولت به مراکز پژوهشی بودجه می‌دهد بدون اینکه این مراکز، متناسب با آن بودجه، محصولات پژوهشی و خروجی داشته باشند. اولاً ضروری است در راستای شرح وظایف و مأموریت محوله، محصولات و خروجی‌های مناسب هر مرکز پژوهشی تعریف شود، ثانیاً هزینه تمام‌شده هر محصول اعم از کتاب، مقاله، نشریه، نظریه، مشاوره و... تبیین شود، و در یک برنامه چندساله و تدریجی، ضرورتاً به اندازه خروجی و عملکرد هر مؤسسه، بودجه به آن تخصیص یابد. یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های مراکز پژوهشی و تحقیقاتی، ارائه نظریه‌های علمی است، درحالی‌که در حد بودجه‌های تخصیص‌یافته، نظریه تولید نمی‌شود، به‌خصوص در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، فقدان نظریه‌پردازی و آشنایی به روش‌های نظریه‌پردازی، یکی از معضلات اساسی موجود است (واعظ، شهنازی، ۱۳۸۵).

۵-۱. گسترش پژوهشکده‌ها و ساختارهای تخصصی پژوهشی مستقل و رقابت‌پذیر

تعداد پژوهشکده‌ها و مؤسسات و قطب‌های پژوهشی در ایران در تمام حوزه‌ها و رشته‌ها، به‌شدت پایین است. چنانکه گذشت اساساً تولید دانش، اندیشه، نظریه و نوآوری در حوزه پژوهش صورت می‌گیرد. پژوهش پستوانه آموزش عالی و توسعه و پیشرفت کشور است. در ایران به طور بی‌رویه به گسترش مراکز آموزش عالی پرداخته شده درحالی‌که حوزه پژوهش به لحاظ کمی و کیفی توسعه نیافته و در مراحل اولیه است. بر این اساس ضروری است گسترش پژوهشکده‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی مستقل، تخصصی، مأموریت‌گرا، خروجی‌محور و رقابت‌پذیر افزایش یابد، و چه‌بسا مطلوب باشد که برخی مراکز آموزشی با تغییر مأموریت، به مراکز پژوهشی تبدیل شوند. مؤسسه‌های پژوهشی می‌توانند در سطوح مختلف دانشجویی، متوسط و عالی تشکیل شوند که طبعاً هرکدام وظایف و رسالت‌های خاص خود را خواهند داشت.

۶-۱. ترویج آینده‌پژوهشی در تحقیقات علوم انسانی

امروزه مطالعات آینده یا آینده‌نگری از طریق پژوهش‌های علمی، اهمیت بسزایی پیدا کرده است. مطالعات آینده در ایران چندان جایگاهی ندارد، و نه تنها در برنامه‌ریزی‌ها و

سیاست‌گذاری‌ها اساساً غایب است، بلکه به لحاظ نظری نیز فاقد متون و ادبیات است، گاهی در حد محدود و پراکنده آثاری نوشته و منتشر می‌شود که عمدتاً ترجمه یا بازخوانی متون غربی است. در فرایند مأموریت‌گرا کردن مراکز پژوهشی و مسئله‌محور کردن پژوهش‌ها، آینده‌پژوهی می‌تواند بخش مهمی از این فرایند باشد و نقش اساسی ایفا کند.

۷-۱. بازتعریف نقش پژوهش در دستگاه‌های اجرایی

امروزه در جوامع رشدیافته بشری، اصل مهمی وجود دارد و آن اینکه «بدون پژوهش تصمیم نگیریم». روشن است که «پژوهش برای پژوهش» چندان فایده‌ای ندارد، بلکه پژوهش برای تصمیم، برای عمل و برای اجرا انجام می‌شود. ضروری است دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌ها به تصمیمات پژوهش‌محور ملزم شوند و این امر به بازتعریف نقش و جایگاه تحقیق و محقق در دستگاه‌های اجرایی و صنایع بخش دولتی و خصوصی نیاز دارد. در این راستا لازم است تمامی دستگاه‌های اداری و اجرایی توجیه شوند و قبول کنند که برای تصمیم‌گیری در هر امری، ابتدا باید ابعاد آن موضوع به طور دقیق شناخته شود و سناریوهای مختلف احتمالی در مورد آن مسئله ترسیم، و آثار و تبعات هر کدام تبیین شود. برای تحقق این هدف، نباید مرتکب اشتباه استراتژیک دیگر شد و این اشتباه تشکیل مراکز پژوهشی در داخل دستگاه‌های اجرایی است، زیرا این مراکز به طور تخصصی و حرفه‌ای، پژوهش‌محور نخواهند شد و فقط ساختار اداری دولت حجیم‌تر می‌شود، بلکه راه‌حل این است که در مسیر مأموریت‌گرا و تخصصی کردن مراکز پژوهشی موجود، و ایجاد مراکز پژوهشی بیشتر به خصوص در بخش خصوصی، نیازهای پژوهشی دستگاه‌های اجرایی را مؤسسات تخصصی خارج از آنها برآورده سازند و تا نهایی شدن برنامه‌های تصمیم‌گیری شده بر اساس آن پژوهش، در کنار دستگاه‌های اجرایی باقی بمانند.

۲. زیرساخت‌ها، قوانین و روندها

هم‌اکنون بخش معظمی از مشکلات پژوهش در کشور، به زیرساخت‌ها، قوانین و روندهای اداری، مالی و پژوهشی بازمی‌گردد. هرگونه تحول و ارتقای پژوهش که البته ارتقای آموزش عالی نیز در گروی آن است، منوط به اصلاح زیرساخت‌ها، قوانین و روندهای اداری و اجرایی است. در این راستا انجام اقدامات زیر ضروری است:

۲-۱. بازنگری در ساختار فرایندهای پژوهش

فرایندهای اداری، اجرایی و قانونی مراکز، مؤسسات و گروه‌های پژوهشی باید به طور جدی و با اهداف زیر مورد بازنگری قرار گیرند:

۱. افزایش کیفیت پژوهش‌ها؛

۲. حرفه‌ای شدن پژوهش؛

۳. ایجاد توانایی نظریه‌پردازی؛

۴. افزایش توانایی پژوهش‌ها در پاسخ به مسئله‌های جامعه؛

۵. ایجاد پیوند بین مسئله‌های پژوهش با نیازهای دستگاه‌های اجرایی.

اگرچه برخی موارد فوق به طور جداگانه و به عنوان اقدامات ضروری مورد بحث قرار گرفت اما تا زمانی که زیرساخت‌ها و قوانین تغییر نکنند و متناسب نشوند این اهداف عملی نخواهند شد.

۲-۲. تهیه برنامه جامع نظام پژوهش کشور

یکی دیگر از اقدامات مهمی که لازم است در عرصه پژوهش کشور صورت گیرد، تهیه برنامه‌ی جامعی برای پژوهش کشور است. این برنامه باید با اهداف زیر تهیه و تدوین شود:

۱. استانداردسازی و شاخص‌سازی برای تبیین موضوعات؛

۲. شاخص‌سازی برای نحوه‌ی واگذاری پروژه‌های تحقیقاتی؛

۳. استانداردسازی هزینه‌های تحقیقات.

البته سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور و برنامه‌های توسعه پنج‌ساله نیز در چهارچوب آن تنظیم و اجرا می‌شود، ولی در تمام اینها، پژوهش به صورت کلی در کنار سایر بخش‌ها دیده شده و ضروری است به طور جداگانه، دقیق و متناسب با مسائل حوزه پژوهش، و البته در چهارچوب اسناد بالادستی، نظام جامع پژوهش کشور طراحی و تدوین شود.

۲-۳. ایجاد نظام و نهادهای اعتبارسنجی تحقیقات

تضمین کیفیت آموزش عالی و پژوهش، از جمله مباحث مهم در این حوزه است که انجام آن به الگوها و نظام خاص خود نیاز دارد (فراستخواه، بازرگان و قاضی طباطبایی، ۱۳۸۶: شماره ۴۴: ۱۸-۲) و ضرورتاً باید انجام شود. ابتدا باید برنامه مؤسساتی تعریف شوند که در قالب یک نظام تدوین شده، بتوانند به طور مرتب تحقیقاتی را که در کشور انجام

می‌شود مورد سنجش و ارزیابی قرار دهند و در یک سطح بالاتر به تبیین رتبه‌ها و میزان اعتبار مراکز تحقیقاتی بپردازند، و این حوزه را آسیب‌شناسی کنند.

۴-۲. ایجاد ظرفیت برای گسترش همکاری‌های علمی و پژوهشی داخلی

مراکز و مؤسسه‌های پژوهشی مختلف می‌توانند با همکاری‌های وثیق علمی - پژوهشی، توان و کارایی خود را به چند برابر افزایش دهند و از تجربیات یکدیگر استفاده کنند؛ با این حال در ایران بین مراکز علمی و پژوهشی همکاری جدی وجود ندارد و گاهی این همکاری‌ها در حد بسیار رقیق و محدود دیده می‌شود. این عدم همکاری، دلایل و زمینه‌های متعددی دارد که بخشی از آنها به ضعف فرهنگ ایرانیان در کارهای جمعی بازمی‌گردد. پژوهشی نشان می‌دهد که تعاملات و ارتباطات در جامعه علمی ایران، چه بین‌فردی، چه بین‌سازمانی، چه بین فرد و سازمانی، ضعیف است و در حد مطلوب قرار ندارد (قانع‌راد، ۱۳۸۵)؛ البته از سوی دیگر ظرفیت‌های همکاری و سازوکارهای قانونی نیز برای این همکاری‌ها اندیشیده نشده است. عجلتاً باید در جهت ایجاد ظرفیت‌ها و شیوه‌های قانونی و همچنین تشویق مراکز به انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک راهکارهای قانونی و الزامی پیش‌بینی شود.

۵-۲. ایجاد ظرفیت برای همکاری‌های بین‌المللی

ارتباط مراکز و مؤسسه‌های پژوهشی داخل با مؤسسات مشابه خارجی و مبادله پژوهشگر از یک سو و انجام طرح‌های تحقیقاتی مشترک از سوی دیگر، نقش بسزایی در تقویت، رشد و ارتقای مؤسسه‌های پژوهشی دارد و در میدان رقابت، آنها را قوی می‌سازد. توجه به افزایش توان پژوهشکده‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی موجود از نظر ساختاری، برنامه‌های پژوهشی، و منابع انسانی در جهت رقابت در سطح بین‌المللی، امری است که باید در رأس سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی قرار گیرد و آغاز این راه، ایجاد فضای فرهنگی مناسب از یک سو، و رفع موانع قانونی از سوی دیگر، برای ارتباطات بین‌المللی مراکز پژوهشی است.

نتیجه‌گیری

شیوه‌هایی که در جهت تحول و بهبود در نظام آموزش عالی و پژوهش کشور در سه حوزه آموزش و پژوهش، فقط آموزش، و فقط پژوهش ذکر شد و آسیب‌هایی که به آنها اشارت رفت، مباحثی است که کمابیش با مباحث حوزه آموزش عالی سنخیت دارد و به آنها

پرداخته می‌شود و برای رشد و ارتقای آموزش عالی ناگزیر از توجه به آنها هستیم. در این نتیجه‌گیری به چند نکته اشاره می‌شود که شاید در جهت تحول و ارتقای آموزش عالی و پژوهش، مهم‌تر از مباحث مطرح شده باشند ولی در مباحث مربوط جایشان خالی است. احتمال می‌رود مهم‌ترین دلایل این باشد که به لحاظ علمی، از حیطة توجه متخصصان این علم خارج است. این مباحث با طرح پرسش‌های عمیق‌تری آغاز می‌شود، از جمله اینکه چرا اساساً این آسیب‌ها در حوزه آموزش عالی و پژوهش وجود دارد؟ چرا در جهت رفع و حل آنها اقدام نمی‌شود؟ چرا راه‌ها و شیوه‌های تحول و ارتقای آموزش عالی و پژوهش که رئوس و اصول آن روشن و مورد اجماع نسبی است، در سیاست‌گذاری و اجرا برگرفته نمی‌شود؟ و مهم‌تر اینکه چرا اقدامات انجام‌شده به نتیجه نمی‌رسد؟ چون گاهی به رفع موانع یا برگرفتن اصول و شیوه‌های تحول دانش توجه می‌شود، و در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و حتی اجرا مورد اهتمام قرار می‌گیرد، ولی نتایج مطلوب به دست نمی‌آید. از اینجاست که باید به لایه‌های عمیق‌تری از بحث توجه کرد که معمولاً متخصصان آموزش عالی به آن نمی‌پردازند و به یک نگاه بین‌رشته‌ای نیاز دارد که مهم‌ترین بخش آن فرهنگ است؛ البته از منظرهای مدیریتی، سیاسی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی نیز باید آنها را مورد توجه قرار داد. برخی از این مباحث به شرح زیر هستند:

۱. باور به آموزش عالی و پژوهش: بدین معنی که این باور و یقین در جامعه و بین کارگزاران ایجاد شود که بهترین راه‌حل و بلکه تنها راه‌حل مسائل اجتماعی، رشد دانش و پژوهش به‌خصوص در حوزه علوم انسانی و اجتماعی است. هم‌اکنون نه‌تنها این باور وجود ندارد بلکه دیدگاه‌های عکس آن نیز گاهی مشاهده می‌شود.

۲. اصالت آموزش عالی و پژوهش: بدین معنی که مسائل و موضوعات حوزه آموزش عالی و پژوهش، نه قابل معامله و مصالحه و کوتاه آمدن باشد و نه مسائل سیاسی، اجتماعی و مدیریتی بتواند به‌آسانی آن را تحت تأثیر و وجه‌المصالحه قرار دهد.

۳. سیاسی شدن حوزه آموزش عالی و پژوهش: تحت تأثیر مسائل سیاسی قرار گرفتن آموزش عالی و پژوهش، هم به ضرر کشور و هم به ضرر دانش و پژوهش است، هم دولت‌ها باید پرهیز کنند از اینکه دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی را به مسائل سیاسی وارد کنند و هم استادان و پژوهشگران باید خود را از مسائل سیاسی که زودگذرند و وظیفه

شیوه‌های تحول و بهبود آموزش عالی... / ۲۷

احزاب سیاسی و روزنامه‌هاست، دور نگه دارند. در عوض در سطح کلان نظام سیاسی، به ارائه راه‌حل‌ها و نظریه‌های علمی برای رشد و توسعه کشور پردازند، نه اینکه به اقداماتی مثل امضای بیانیه‌های سیاسی، حمایت از گروه‌های سیاسی، اعلام مواضع سیاسی و مواردی از این قبیل که جزء وظایف احزاب سیاسی، گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی، روزنامه‌ها، و روزنامه‌نگاران است، مبادرت ورزند.

منابع

- آذر گشب، اذن‌الله؛ آراسته، حمید؛ صباغیان، زهرا؛ توفیقی، جعفر (۱۳۸۶)، «کارکرد هیئت‌های امنای دانشگاه‌های دولتی و البته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۴۶.
- انتظاری، یعقوب؛ طایی، حسن؛ عرب‌مازار، علی (۱۳۸۶)، «تحلیل تابع تولید و کارایی بنگاه دانش با استفاده از روش تحلیل مرز تصادفی تولید»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۴۵.
- برتون، گیل؛ لامبرت، میشل؛ و دیگران (۱۳۸۷)، *جهانی‌شدن و دانشگاه*، مترجم: حمید جاودانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۷.
- بیتس، دانیل؛ فرد، پلاگ (۱۳۷۵)، *انسان‌شناسی فرهنگی*، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- پورعزت، علی‌اصغر؛ قلی‌پور، آریین (۱۳۸۸)، «توسعه رویکرد مسئله‌محوری در مطالعات میان‌رشته‌ای»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای*، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شماره ۳.
- حسینی لرگانی، مریم؛ میرعرب رضی، رضا؛ رضایی، سعید (۱۳۸۷)، «آموزش کارآفرینی در هزاره جدید، زیرساختی برای اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۰.
- خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۸)، *علوم انسانی و ماهیت تمدن‌سازی آن*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۷)، *گفت‌وگو میان‌رشته‌ای دانش*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- دری، بهروز؛ طالب‌نژاد، احمد (۱۳۸۷)، «بررسی وضعیت عوامل راهبردی دانش‌آفرینی در دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۴۹.
- دلانتی، جرارد، *دانش در چالش*، علی‌بختیاری‌زاده (۱۳۸۶)، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۸)، «اخلاق حرفه‌ای و فرهنگ دانشگاهی»، در بیژن لطیف، *از توسعه علمی تا توسعه ملی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۸)، «تشکل‌های دانشگاهی، مولد سرمایه اجتماعی، زمینه‌ساز توسعه ملی» در بیژن لطیف *از توسعه علمی تا توسعه ملی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

- سرکار آرائی، محمدرضا (۱۳۸۳)، *مدیریت دانش*، تهران: نشر قو.
- محمدرزاده، سعید؛ حجازی، یوسف؛ بازرگان، عباس (۱۳۸۶)، «الگویی برای تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی ایران»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی*، شماره ۴۵.
- سیاری، مجید؛ سیاری، هادی؛ ابراهیمی، حسین (۱۳۸۵)، *اعتبارسنجی و ارزشیابی بیرونی در نظام آموزش عالی*، تهران: نشر مهر سبحان.
- شارع‌پور، محمود؛ فاضلی، محمد (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی علم و انجمن‌های علمی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- صباغیان، زهرا (۱۳۸۸)، «فرهنگ دانشگاهی؛ یک چهارچوب پژوهشی»، در: محمد یمنی دوزی سرخابی، *رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- عزتی، میترا؛ نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، «تأثیر سازوکارهای تخصیص منابع مالی بر عملکرد آموزشی گروه‌های آموزش دانشگاهی: مطالعه موردی دانشگاه تهران»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۲.
- عزیزی، نعمت‌الله (۱۳۸۵)، *توسعه آموزش عالی در ایران با تأکید بر علوم انسانی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- عطاران، محمد (۱۳۸۶)، «دانشگاه مجازی: بازخوانی روایت‌های موجود»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۴۳.
- علی‌بیگی، امیرحسین (۱۳۸۶)، «تحلیل بهره‌وری پژوهشی اعضای هیئت علمی: مطالعات موردی دانشگاه رازی»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۴۶.
- فتحی و اجارگاه، کوروش؛ مؤمنی مهمویی، حسین (۱۳۸۷)، «بررسی نقش عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای هیئت علمی در برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی»، *مجله آموزش عالی ایران*، شماره ۱.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸)، «بررسی نقش انجمن‌های علمی دانشگاهیان در سیاست‌گذاری و ارزیابی نظام علمی کشور»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۱.
- فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، متعلق به مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، شماره ۴۳، بهار ۱۳۸۶.
- فیض، داوود (۱۳۸۵)، «بررسی جایگاه علوم انسانی در نظام آموزشی، پژوهشی و مدیریتی کشور و ارائه راهکارهای ارتقای آن با استفاده از مدل SWOT»، *کنگره ملی علوم انسانی، وضعیت امروز، چشم‌انداز فردا*، تهران: ۲۴-۲۲.

- قانع‌راد، محمدامین (۱۳۸۵)، *تعاملات و ارتباطات در جامعه علمی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۸)، *درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای*، تهران: انتشارات سرآمد.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، *جهانی‌شدن فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی*.
- المجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق - ۱۹۸۹ م)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی روزبهانی، کیانوش (۱۳۸۸)، «پرورش تفکر میان‌رشته‌ای، پیش‌نیاز میان‌رشته‌ای در آموزش عالی با تأکید بر یادگیری مسئله‌محوری»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای*، شماره ۲.
- فراستخواه، مقصود؛ بازرگان، عباس؛ قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۸۶)، «تحلیل مقایسه‌ای نظام‌های تضمین کیفیت آموزش عالی در جهان: وجوه اشتراک و افتراق در تجربه‌های جهانی»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۴۴.
- مک‌نی، ایان، و دیگران (۱۳۸۶)، *دانشگاه و اجتماعات علمی آن*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- مک‌نی، ایان، و دیگران (۱۳۸۶)، *دانشگاه و اجتماعات علمی آن*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- منتظر، غلامعلی (۱۳۸۶)، «مطالعات راهبردی توسعه اطلاعاتی نظام آموزش عالی در ایران»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۴۳.
- منتظر، غلامعلی؛ نصیری صالح، فرزین؛ فتحیان، محمد (۱۳۸۶)، «طراحی مدل توسعه سواد اطلاعاتی در ایران»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۴۴.
- منیعی، رضا، کارولوکس؛ فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه فناوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه علمی با استفاده از نقشه شناختی»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۱.
- مورن، ادگار، و دیگران (۱۳۸۷)، *اندیشه پیچیده و روش یادگیری در عصر سیاره‌ای*، مترجم: محمد یمنی دوزی سرخابی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- مهرعلی‌زاده، یدالله (۱۳۸۷)، «جنبش کیفیت‌گرایی در آموزش عالی، به سوی الگویی جامع از مدیریت کیفیت»، *مجله آموزش عالی ایران*، انجمن آموزش عالی ایران، شماره ۳.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۷)، «تحلیلی بر سیاست کاهش تمرکز از برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران؛ ضرورت‌ها و فرصت‌ها»، *مجله آموزش عالی ایران*، شماره سوم.

شیوه‌های تحول و بهبود آموزش عالی... / ۳۱

مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۸)، «ملاحظات اساسی در باب سیاست‌گذاری توسعه برنامه درسی میان‌رشته‌ای در آموزش عالی از منظر فرایند تکوین»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای*، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شماره ۳.

نوروززاده، رضا؛ محمودی، رضا؛ فتحی و اجارگاه، کوروش؛ نوه ابراهیم، عبدالرحیم (۱۳۸۵)، «وضعیت سهم مشارکت دانشگاه‌ها در بازنگری برنامه‌های درسی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۴۲.

نوروززاده، رضا؛ فتحی و اجارگاه، کوروش؛ کیدوری، امیرحسین (۱۳۸۸)، «تحلیل محتوایی اسناد فرادستی و معین به منظور استنتاج سیاست‌های برنامه توسعه پنجم بخش آموزش عالی، تحقیقات و فناوری»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۳.

النوری، المحدث، (۱۳۴۰)، *مستدرک الوسائل*، تهران: کتابفروشی اسلامی.
واعظ، محمد؛ شهنازی، روح‌الله (۱۳۸۵)، «روش‌شناسی لاکاتوشی راهی برای حل معضل روش‌شناختی تحقیقات علوم انسانی»، *کنگره ملی علوم انسانی؛ وضعیت امروز چشم‌انداز فردا*، تهران: ۲۲-۲۴.
یاریار، رحمان، ملکی؛ بهزاد (۱۳۸۵)، «جایگاه کشورهای جهان سوم در انتشار تولیدات علمی جهان؛ مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران»، *کنگره ملی علوم انسانی؛ وضعیت امروز، چشم‌انداز فردا*، تهران: ۲۲-۲۴.

یمنی‌دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۸)، «برنامه‌ریزی توسعه دانشگاهی، حوزه‌ای میان‌رشته‌ای»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای*، شماره ۲.